



از مضراب تا محراب
تألیف: خسرو احتشامی
چاپ اول - ۱۳۷۰
انتشارات بهینه - ۱۱۲ صفحه

میرزا جهانگیرخان فشقایی، حکیم نامدار میانه سده سیزدهم تا اوایل سده چهاردهم هجری، از شخصیت‌هایی است که پیرامون او ابهامات بسیاری پراکنده بوده است. اجمال آگاهی‌های عموم از وی، از این چند مورد در نمی‌گذرد:

الف - او از خوانین تیره دره‌شوری است که در اثر تحوّل در روح ناآرامش، ایل را رها کرده به اصفهان می‌آید.

ب - جذبه مجالس درس و بحث اصفهان، جهانگیرخان را حجره‌نشین مدرسه می‌کند.

ج - وی در علوم و فنون عقلی و نقلی - اعم از فلسفه و حکمت، ریاضیات، نجوم، کلام، فقه و اصول - مسند تدریس می‌یابد و به ویژه در انتقال فلسفه ملاصدرا به چند نسل از شاگردانش سهمی بسزا دارد.

د - اغلب بزرگانگی که در قرن اخیر در حوزه اصفهان به سر برده‌اند از شاگردان او بوده‌اند؛ از جمله روان‌شادان: آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله سیدحسن مدرس، آیت‌الله ارباب،

فاضل تونی، وحید دستگردی، مشکان طلبی، اسدالله ایزدگشسب، حکیم همدانی و...

سلوک غیر متعارف جهانگیرخان از جمله زهد بی نظیر او، اختیار نکردن همسر تا آخر عمر، ده‌ها سال زندگی در حجره‌ای محقر در مدرسه صدر اصفهان، حفظ لباس و هیأت ایلی (با وجود برتری مسلمش نسبت به بسیاری از ارباب عمایم)، تدریس و اشاعه فلسفه و عرفان در زمانی که حتی تأیید ضمنی این موضوعات موجب قطعی تکفیر بود، پیوسته مشتاقان تاریخ فرهنگ ایران را جویای آگاهی بیشتر از زندگی این مرد بزرگ ساخته است. مجموعه اطلاعات پیرامون جهانگیرخان، که به حق نماینده برجسته مکتب صدرایی در عهد قاجار است، در مراجع و مآخذ - از کتاب‌شناسی‌ها گرفته تا کتب معرفت‌الرجال - از اجمالی که بدان اشارت رفت، تجاوز نمی‌کند.^۱

به زعم نگارنده، دو علت عمده برای این فقد آگاهی می‌توان برشمرد؛ اول دوری جستن این استاد بزرگوار از اشتهار و دکان‌داری، و دیگر مخالفت قدرتمندان حوزه‌ها با باورها و گرایش‌های فکری او.

*

کتاب مختصر و مفید «از مضراب تا محراب» (جستاری پیرامون زندگانی حکیم الهی و فیلسوف صدرایی میرزا جهانگیرخان قشقایی) تألیف خسرو احتشامی، بی‌تردید در حل و رفع بسیاری از مجهولات و ابهامات پیرامون زندگی این فیلسوف و عارف سترگ می‌تواند کارساز باشد.

احتشامی، که خود قشقایی و از تیره جهانگیرخان است، استناد به خاطره‌های سالخوردگان قوم و نگاه به اسناد بازمانده، از انس جهانگیرخان به موسیقی و نواختن سه‌تار سخن رانده است.

«... جهانگیر از کودکی با سه‌تار آشنایی داشت و قصه‌های ایلی و گوشه‌های محلی و ترانه‌های فولکلوریک را به چیره‌دستی چنگیان و چگوریان قشقایی می‌نواخت. سه‌تار، ساز سنتی قشقایی است و از زمان‌های دور با ایل پیوندی ناگسسته داشته است... قشقایی‌ها این ساز را از هر ساز دیگری دوست‌تر دارند؛ چرا که زبان دردها و غم‌ها و سرگشتگی آن‌هاست و در لرزش صدایش، غربت نیاکان خود را در سرزمین مقدس پارس می‌شنوند.»^۲

مؤلف با ذوق، حل معمای مجرد زیستن جهانگیرخان را در عشق طولانی دوران جوانی تا میانسالی او می‌جوید. «گلندام» دختر عمه جهانگیر، فرزند یوسف‌خان شش‌بلوکی کلانتر قصبه دهقان، سه‌تار نواختن عاشق خویش را نپسندید، چرا که نوازندگان ایل، حتی اگر در نسب ممتاز باشند، فروتر از بزرگان بشمارند و همین امر بس بود تا معشوق مغرور را خوش نیاید. جهانگیر پس از سال‌ها دلدادگی «به خواستگاری گلندام فرستاد. خواستگاران در حضور

جهانگیر که در خلوت انتظار می کشید، پیام عاشق را به معشوق رساندند؛ اما غرور حسن به گلندام اجازه پرسش از این چنگی میانسال را که پس از بیست سال بار دیگر سر برآستان معشوق سوده بود نداد. با پاسخی سخت، عاشق را شکسته دل از خویش راند تا جایی که جهانگیر جلای وطن را به جان خرید و سه تار به دوش، ایل را برای همیشه ترک گفت.^۲

از غریب زندگی جهانگیرخان، این که به هنگام ورود به اصفهان و آغاز تحصیلات، چهل ساله بود و دوران تعلّم و تعلیم وی - یکسره - تا هشتاد سالگی که از جهان رفت، دوام یافت. «سالیان دراز گذشت که در حوزه علمیه اصفهان، کلمه آخوند و خان ورد زبان ها بود. هنوز هم از زبان باقی ماندگان آن زمان، این دو نام مقدّس را با تجلیل و تعظیم می شنویم. جهانگیرخان در اثر شخصیت بارز علمی و... تحصیل فلسفه را که مابین علما و طلاب قدیم سخت موهون و با کفر و الحاد مقرون بود، از آن بدنامی به کئی نجات داد و آن را در سرپوش درس فقه و اخلاق، چندان رایج و مطلوب ساخت که نه فقط دانستن و خواندن آن موجب تهمت و ضلالت و بدبینی نبود بل که مایه افتخار و مباهات محسوب می شد.»^۴

از برجستگی های دیگر زندگی جهانگیرخان، این که «در درازنای عمر هیچ گاه در برابر استبداد سر فرود نیاورد؛ چرا که خود از طبقه اشراف ایلی و فئودالیسم بریده بود و به مردمی پیوسته بود که او را به حقیقت باور داشتند تا جایی که کرامت را از صفات او می پنداشتند. مشکل بود که چنین انسانی بتواند به امور دنیوی دل ببندد و یا جباران زمانه بسازد.»^۵

جهانگیرخان طبع شعری نیز داشته که نمونه هایی از اشعار وی در کتاب مورد بحث آمده است که این سه بیت، از آن جمله است:

در لقایش، ز باده رفت سخن چشم وی با اشاره گفت که: من!
طلعتش خواست رایت افرازد به سرشاخ، گل شکفت که: من!
روزگارم سیاه خواست رقیب روی در زلف خود نهفت که: من!^۶

*

در کنار بیان شایستگی های کار آقای خسرو احتشامی هونه گانی بایسته است به چند نکته نیز اشاره رود تا در تجدید چاپ مورد نظر قرار گیرد:

۱- طرح صفحات، یا به تعبیر اهل فن صفحه آرایی، آن چنان که باید چشم نواز نیست؛ علامت گذاری ها سردستی و خالی از دقت است؛ فصل بندی ها و عنوان گذاری ها نیز می توانست به از این باشد. در هر حال کتاب به ویرایش جدی نیاز دارد.

۲- کتاب نامه و ذکر مآخذ، علمی نیست و شناسنامه کتب نیاز به تکمیل دارد.

۳- چاپ اسناد و عکس های بسیار گران بها در کتاب جای قدردانی دارد ولی چه خوب

بود مؤلف محترم، محلّ اسنادی را چون فرمان شاه عباس اول پیرامون ایل قشقایی (که برای نخستین بار به چاپ می‌رسد) و قباله‌ای که در زمان شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده است، بیان می‌کردند.

۱. بعضی از منابع عبارت‌اند از: فارس‌نامه ناصری (حاج میرزا حسن فسایی) - دبستان الفرصه (فرصت‌الدوله شیرازی) - شمس‌التواریخ (شیخ اسدالله ایزدگشسب) - سخن سرایان پارس (رکن‌زاده آدمیت) - رجال ایران (مهدی بامداد) - چکیده آن چه در همه این منابع پیرامون جهانگیرخان آمده، از چند سطر تجاوز نمی‌کند.
۲. از مضراب تا محراب، ص ۱۳.
۳. همان‌جا، ص ۲۰.
۴. همان‌جا، ص ۴۸، به نقل از استاد قنبد جلال‌الدین همایی در «مقدمه طرب»، ص ۷۰.
۵. همان‌جا، ص ۳۴ و ۳۵.
۶. همان‌جا، ص ۴۱.

مؤسسه حروفچینی کامپیولیزی مجد

کلیه سفارشات از قبیل کتابهای درسی، ادبی، علمی، هنری، دیوان شعر، رمان، مجله و انواع بروشورهای تبلیغاتی و تجارتی و سرنامه را با حروف متنوع بوسیله سیستم‌های پیشرفته کامپیوتری و با امکانات وسیع نرم‌افزاری به زبانهای فارسی، عربی، ترکی و لاتین حروفچینی و در اسرع وقت به صورت ستونی یا صفحه‌بندی‌شده تحویل می‌نماید. شایان ذکر است که مرحله صفحه‌بندی کلاً با کامپیوتر انجام و تحویل می‌شود.

**هدف: کیفیت بهتر، کارآیی بیشتر و جلب رضایت شما
با یک بار مراجعه مطمئناً ما را باور خواهید کرد**

آدرس: روبروی دانشگاه تهران، جنب بانک ملت، ساختمان ۱۳۳۸، طبقه اول

مؤسسه حروفچینی و تایپ کامپیوتری مجد تلفن: ۶۴۰۶۲۹۲